

جبهه اصلاحات: لایحه را پس بگیرد

جبهه اصلاحات ایران در واکنش به ارائه لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» بیانیه صادر کرد. در این بیانیه آمده است: «در شرایطی که کشور از یک سو با پیامدهای جنگ ویرانگر دوازده روزه، بحران‌های فزاینده اقتصادی، و ناترازی‌های عمیق در حوزه‌های حکمرانی، انرژی، معیشت و اعتماد عمومی مواجه است و از سوی دیگر با مطالبه گسترده مردم برای شفافیت، بازسازی سرمایه اجتماعی، گشایش فضای عمومی و ترمیم مناسبات دولت-ملت روبه‌روست، ارائه لایحه‌ای تحت عنوان «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» با قید دوفوریت، و تصویب شتاب‌زده فوریت آن در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، موجی از نگرانی، ناامیدی و اعتراض را در میان نخبگان، جامعه مدنی، رسانه‌ها و بدنه اجتماعی حامی اصلاحات برانگیخته‌است.»

در بخش دیگر این بیانیه آمده است: «لایحه پیشنهادی، به جای مقابله هدفمند با «نشر آگاهانه و عمدانه اکاذیب»، با استفاده از عباراتی مبهم و فاقد مرز روشن چون «محتوای خبری خلاف واقع» و «اخلال در امنیت روانی جامعه»، بستری برای تفسیر موسع و سلیقه‌ای ایجاد می‌کند که در عمل، ابزار قانونی لازم برای تحدید فضای مجازی، محدودسازی رسانه‌ها، و حذف صدای منتقدان خواهد شد. ضمن آنکه تصویب و اجرای این لایحه می‌تواند فضا را برای افشاگران فساد و نقد عملکرد نهادهای عمومی بیش از پیش محدود کند و در مقابل زمینه‌ساز حاشیه امن برای مفسدان باشد. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، عناوین مجرمانه‌ای چون «نشر اکاذیب» و «تشویش اذهان عمومی» پیشاپیش در قوانین جزایی وجود دارد و نیازی به تکرار مبهم و امنیتی‌سازی مضاعف نیست.»

جبهه اصلاحات ایران، با تکیه بر مسئولیت تاریخی و اخلاقی خود، و به‌عنوان صدای وجدان جامعه مدنی ایران، موارد زیر را با صراحت اعلام می‌دارد:

۱ استرداد فوری لایحه توسط دولت
ادامه روند بررسی و تصویب آن، جز افزایش شکاف دولت-ملت، بی‌ثباتی اجتماعی و تقویت گفت‌مان اقتدارگرایانه، دستاوردی نخواهد داشت. از آنجا که این لایحه ناشی از پیگیری‌های قوه قضائیه بوده، دولت باید مسئولیت سیاسی تبعات آن را نپذیرد و به‌صراحت مرزبندی خود را با نگاه محدودکننده به آزادی بیان اعلام دارد.

۲ تدوین سیاست ملی اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای با مشارکت نهادهای مستقل
دولت به جای سیاست گذاری در خلأ و زیر فشار نهادهای فراقانونی، باید با بهره‌گیری از ظرفیت جامعه رسانه‌ای، حقوق دانان مستقل، کارشناسان ارتباطات، و نهادهای مدنی، نسبت به طراحی سیاستی ملی، جامع، متوازن و حقوق‌مدار در حوزه اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی اقدام نماید؛ سیاستی که به جای سرکوب صداها، بر ارتقای سواد رسانه‌ای، مقابله با جنگ روانی واقعی، و افزایش تاب‌آوری عمومی استوار باشد.

۳ پایان دادن به فیلترینگ و امنیتی‌سازی فضای مجازی
تداوم سیاست فیلترینگ گسترده، امنیتی‌سازی و انسداد پلتفرم‌های ارتباطی، و بر خورده قضایی با کنشگران رسانه‌ای، خود منبع بحران مشروعیت و نا رضایتی است، نه راه حل آن. دولت باید به این روند پایان دهد و نگاه امنیت‌محور به فضای مجازی را کنار بگذارد.

۴ بازگشت به روح جمهوریت و اصلاح مسیر حکمرانی رسانه‌ای
اگر دولت «وفاق ملی» به سازشی یک‌سویه با جریان‌های اندک سالار و اقتدارگر افرکاسته شود و آزادی‌های بنیادین ملت را قربانی مصلحت‌های زودگذر کند، این «وفاق»، نه حافظ ثبات که عامل تعمیق بحران خواهد بود. حال آنکه بازگشت به روح جمهوریت و به رسمیت شناختن نقش نهادهای مدنی و رسانه‌ها، شرط بقا و اصلاح دولت است. در تاریخ جمهوری اسلامی ایران، لحظاتی وجود داشته که رئیس جمهور، با وجود فشارهای سنگین ساختار سیاسی، مسئولیت‌پذیری کرده‌واز ارائه لویحی که جامعه را به انسداد می‌کشاند، خودداری نموده یا آن‌ها را پس گرفته است. تجربه جناب سیدمحمد خاتمی در ماجرای لویح دولتی، نمونه‌ای از آن تصمیم‌گیری شجاعانه و خردمندانه است و اکنون، چنین انتخابی در برابر جناب مسعود پزشکیان قرار دارد. البته ما بر این باوریم که آینده ایران، نه در سایه حذف و تحدید آزادی‌ها، بلکه در پرتو شفافیت، مسئولیت‌پذیری، گفت‌وگوی آزاد و شگودن فضا برای نقد و اصلاح مستمر رقم خواهد خورد. با احترام و امید به درایت و تصمیم تاریخی رئیس دولت چهاردهم.

آخرین خبر: سیدمهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور در ویدیویی از دستور پزشکیان برای بررسی نظر کارشناسان و عمل به آن خبر و قول داد: «رئیس جمهور به دیدگاه نخبگان توجه خواهد کرد، چرا که خود یک دانشگاهی است.»

سیاست POLITICS

۴

آب قربانی سیاست شد



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست

توسعه صنایع آب‌بر، خودکفایی در بخش کشاورزی و توسعه سدسازی، بخشی از مهمترین مداخلات سیاست در استفاده از آب به عنوان یک ابزار سیاسی است. هر چند که کارشناسان نسبت به بارگذاری‌های غلط این صنایع و خدمات هشدار می‌دادند، اما راه آب بر روی این خدمات باز بود چرا که قدرت لابی‌های سیاسی قوی و گسترده بود.

هشدار اصلی بر این بود که اگر توزیع آب نتواند به درستی مدیریت شود و دولت نتواند حضور موثر، شفاف و کارآمدی در تخصیص آب داشته باشد، این موضوع می‌تواند به یک مسئله امنیتی تبدیل شود، اما آنقدرها از سوی سیاستگذاران صنعت آب جدی گرفته نشد که در نهایت شعار آب به اعتراضات خیابانی کشیده شد. «آب، برق، زندگی؛ حق مسلم ما است» شعاری که در روزهای اخیر در



عکس: نایسنا

محمد ارشدی عضو شورای راهبردی اندیشکده

تدبیر آب ایران مطرح کرد:

چالش مشروعیت دولت در حفاظت از آب

محمد ارشدی، پژوهشگر حوزه حکمرانی آب و عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران می‌گوید حکمرانی متمرکز با منجر به تالی فساد می‌شود چرا که هم منافع غیرمتمرکز را در نظر نمی‌گیرد و هم جایگاه‌ها بیشتر در معرض فشارهای متعدد سیاسی و گروه‌های صاحب نفوذ و منفعت قرار می‌گیرند. در ادامه گفت‌وگوی مفصل وی را با هم میهن می‌خوانید.

❗سیاست چه تأثیری در حکمرانی آب در ایران داشته و اساساً در کجای مسئله آب در ایران است؟

در ابتدا باید گفت که سیاست‌ورزی (Politics) متکی است به امر قدرت و شیوه کسب آن در جامعه. با این نگاه سیاست‌ورزی آب به دنبال فهم تأثیری که قدرت بر شیوه تولید و توزیع ثروت آبی و بالعکس تأثیری که شیوه تولید و توزیع آب بر نحوه کسب قدرت دارد. اما رابطه آب و سیاست‌ورزی را از دو دیدگاه با حوزه می‌شود بررسی کرد. یکی از دیدگاه رابطه سیاست‌ورزی با ارکان دیگر حکمرانی و دیگر رابطه سیاستون با بدنه جامعه و بهره‌برداران آب. از دیدگاه اول، حکمرانی آب بر پایه سه ستون ودال اصلی صورت‌بندی می‌شود: سیاست‌ورزی آب (Water Politics)، سیاست‌گذاری آب (Water Policy) و سازمان و تشکیلات آب (Water Polity). تحلیل رابطه سیاست‌ورزی آب با دو ستون دیگر، تأثیر سیاست بر آب را نشان می‌دهد. سیاست‌گذاری آب نظام تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست‌ها را نشان می‌دهد. سازمان و تشکیلات آب که تمام‌نهاد و سازمان اجرایی و تشکیلات آب و فرایند اجرای تصمیمات آبی را نشان می‌دهد، شامل نظام فنی و اجرایی کشور و جایی که فعالیت‌ها و پروژه‌ها در آن متولد می‌شوند، است. حالا باید تبیین کرد که سیاست‌ورزی با اینها چه تأثیر و تأثیری دارد.

یعنی سیاست چگونه بر شیوه اتخاذ و نتیجه تصمیمات

آبی و بر فرایند اجرایی تصمیمات و سیاست‌ها در

درون سازمان‌ها و تشکیلات اجرایی آب تأثیر

می‌گذارد. یعنی در مراودات اجرایی، جایی

که مدیران آب رویه‌ها و فعالیت‌های اجرایی

را تعیین می‌کنند و پروژه‌ها را طراحی و

مشخص می‌کنند، سیاستون چه تأثیری

دارند و بالعکس.

تجمع‌های اعتراضی نسبت به قطع گسترده آب و برق در برخی از شهرهای کشور سر داده شده است(اعتراضات اخیر سبزوار و خشکه بیجار گیلان)، یا اصفهانی‌ها که به دلیل قطع آب بر روی زاینده‌رود شعار می‌دادند: «به اصفهان نفس بدید، زاینده‌رود رو پس بدید». در حالی که حکمرانی موثر آب، درست مانند آنچه نیاکان ما در راستای مقاومت با خشکسالی و کم‌آبی در سده‌های گذشته انجام دادند، می‌توانست جلوی این مخاطرات را بگیرد. «حکمرانی آب» موضوعی است که قدمت حضور آن به ربع قرن اخیر باز می‌گردد؛ زمانی که جهان به این نتیجه رسید باید یک انتقال مفهومی از تمرکز بر دولت به مثابه تنها منشأ اقتدار ملی و نهاد سیاستگذاری عمومی، به مفهوم حکمرانی به مثابه نظام توزیع قدرت بر اعمال حاکمیت را تجربه کند. حکمرانی سیاسی آب یکی از ابعاد چهارگانه نظام حکمرانی آب است که مشارکت ذی‌نفعان و فراهم کردن امکان این مشارکت در فرایند سیاستگذاری آب را در بر می‌گیرد. اما در ایران چندان

حکمرانی آب بسته‌اند. برای مثال همین بحران آبی که اکنون در آن قرار داریم، راه حل فنی ندارد، راه حل اجتماعی و اقتصادی دارد اما زمانی که دورتر می‌ایستی و به آن می‌نگری وقتی این بحران‌سازی‌ها را می‌بینی پشت آن شاید جریاناتی برای پیشبرد پروژه‌های بزرگ را بتوانید ببینید، کما اینکه در محفل‌هایی الان صداهایی بلند شده است که برای حل بحران آب تهران یا دریاچه ارومیه باید آب را از عمان به تهران و دریاچه ارومیه بیاوریم. از این سبسترها می‌توانید ردپای گروه‌های صاحب منفعت و الیگارش‌های آبی را ببینید. یا اینکه در قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه سال ۸۹ که سیاستونی که خود چاه‌هایی داشتند یا تحت نفوذ متخلفین آبی بودند، به واسطه جایگاه قانون‌گذاری خود قانونی را مصوب کردند که تلویحاً امتیاز دامن ویا پاداش دادن به متخلفین آبی بوده است. در جایی می‌بینید در دالان‌های مجلس و فرایند تصویب قوانین، الیگارش‌های آبی با لابی‌های متعددی زورود می‌کنند و سیاست‌گذاری را منحرف و مانع اتخاذ تصمیمات درست به نفع گروه خاص می‌شوند. از سوی دیگر خود سیاستون نیز وقتی به مناطق زندگی و یا حوزه انتخابی خود می‌روند، مانع کار دستگاه اجرایی و مدیران آبی برای اتخاذ تصمیمات درست آبی می‌شوند. بیشتر جریاناتی که در زمینه آب اتفاق می‌افتد، به‌ویژه در زمینه آب‌های زیرزمینی، توزیع رانت‌های آبی با این مداخله‌های سیاستون است. نکته مهم این است که، رانت آب بسیار بزرگ‌تر از رانت نفت است. حکومت‌ها در طول تاریخ ایران همواره با توزیع رانت آب مواجه بوده‌اند. رانت نفت ۶۰ سال است که ایجاد شده است. در رانت آبی جریان بزرگی از منافع و دسترسی به موقعیت‌های تصمیم‌گیری وجود دارد.

در موضوع رابطه سیاست‌ورزی با سازمان و تشکیلات آب و فرایند اجرایی، سیاستون از طریق ارتباطی که با بدنه اجرایی دولت و نهاده‌ها و مدیران اجرایی آبی دارند، بر فرایند اجرای تصمیمات تأثیر می‌گذارند. به این معنی که سیاست حتی اگر سیاست درست از دالان‌های مجلس عبور کند و ذبح نشود و مصوب شود، بحثی داریم به نام نحوه حرکت و انعکاس سیاست و قانون مصوب شده به سطوح پایین بدنه اجرایی، یعنی زمانی که سیاستی در سطح ملی تدبیر شده تا زمانی که به پایین‌ترین سطح جامعه برسد، اولاً چه درکی از آن در پایین‌ترین سطح بدنه اجرایی می‌شود، ثانیاً چه بلایی بر سر نحوه اجرای آن می‌آید. فرض کنید دولت سیاست را به وزارت نیرو ابلاغ کند، وزارت نیرو به معاونین و شرکت مدیریت منابع آب ایران و این سلسه مراتب تا به سطح محلی برسد، هر کدام از اینها سطوح محلی برای لابی گروه‌های صاحب منفعت هستند و کل این سیستم به اتکای ارتباطات و مناسبات رسمی و غیررسمی با سیاستون و الیگارشی‌های آبی به گونه‌ای شکل گرفته است که قانون مصوب شده را به گونه‌ای قرائت می‌کنند که به نفع گروه‌های صاحب نفع چرخیده شود. به گونه‌ای اینها را خوانش می‌کنند که از آن مقصود خود بیرند. فرض کنید یک دستورالعملی ابلاغ شده است، بدنه اجرایی با فشار سیاستون و صاحبان منفعت سراغ اجرای کامل و دقیق آن نمی‌روند بلکه سراغ پیدا کردن حفره‌های آن می‌روند که اقدامات قبلی و متناسب با منفعت گروه‌های ذینفوذ را توجیه و منافع آن را محقق کند. تمام انرژی این افراد صرف این می‌شود که از میان دستورالعمل‌ها حفره‌ها را پیدا کنند و بهره‌برداری خود را انجام دهند. تأثیری که سیاستون می‌گذارند و فشاری که بر روی مدیران حوزه آب برای نسبت افراد پیشنهادی سیاستون بر جایگاه‌های مدیریتی مختلف می‌آورند از مباحث دیگر است. این موضوع به این دلیل که وزارت نیرو و شرکت‌های بسیار متعددی دارد، در هر کدام از این شرکت‌ها جایگاه‌های مختلفی وجود دارد، بسیار چالش برانگیز و منبع فساد و رانت شده است. می‌بینید در این شرکت‌ها، نیروهای سیاسی فشار می‌آورند و نیروهایی را وارد می‌کنند که به دلیل عدم فقدان تخصص و تجربه کل سیستم را دچار یک مشکل می‌کند. همچنین این نیروها عاملین سیاستون بوده و کارکرد اصلی آنها تعریف و تأیید پروژه‌هایی متناسب با خواسته‌های سیاستون و صاحبان منفعت هستند و هر چه جلوی آنها می‌گذارند گاهی بدون بررسی‌های کامل کارشناسی امضاء می‌کنند. از سوی دیگر سیاستون برای تحقق وعده‌های انتخاباتی خود به معرفی افراد برای استخدام آنها به شرکت‌های آب فشار وارد می‌آورند و نیروهای انسانی بدون تخصص و مازاد بر نیاز وارد بدنه اجرایی آب کشور می‌شود. به همین دلیل با شرکت‌های آبی روبه‌رو هستیم که نیروهای مازاد بر ظرفیت بسیار دارند و هزینه‌های زیادی بر دوش شرکت‌ها تحمیل کرده و آنها را زیان‌ده کرده‌اند. برای مثال برای انجام ماموریت‌ها در یکی از شرکت‌های آب، ۷۰۰ نیرو کفایت می‌کند، اما این شرکت در حال حاضر ۷ هزار نیرو دارد. با توجه به اینکه تعرفه‌های آب بر اساس مدل بازپرداخت هزینه‌های سرمایه‌ای و عملیاتی آنها تعیین می‌شود که از مردم دریافت می‌شود، بخشی از این هزینه‌ها، هزینه‌های جاری است، یعنی هر قدر که نیرو بیشتر استخدام شود،